

تحلیل علل مهاجرت‌های داخلی ایران در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

علی قاسمی اردهایی^۱

حسین محمودیان^۲

رضا نوبخت^۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۰۵

چکیده

مهاجرت‌های داخلی براساس دلایل متعددی صورت می‌گیرد و در حال حاضر یکی از مهم‌ترین مسائل جمعیتی در ایران به شمار می‌رود. در این پژوهش، با تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، مهم‌ترین علل مهاجرت‌های داخلی در ایران به همراه عوامل و تبیین‌کننده‌های آن شناسایی شده است. مهم‌ترین علت مهاجرت پیروی از خانوار (یک علت کلی و مبهم) است و بعد از آن دلایل مربوط به اشتغال، تحصیل و پایان تحصیل، دستیابی به مسکن مناسب‌تر، انجام‌دادن و پایان خدمت و وظیفه است که می‌توان آن‌ها را در دو دسته کلی مهاجرت تبعی و مهاجرت اقتصادی قرار داد. مهاجران واردشده به مناطق شهری و روستایی، مهاجران مرد و زن و مهاجران دارای دوره‌های سنی مختلف، دلایل تقریباً متفاوتی را برای مهاجرت خود برشمرده‌اند. براساس نتایج تحلیل‌های چندمتغیره، جنس و سن مهاجران (به‌عنوان دو متغیر جمعیتی) از تبیین‌کننده‌های بسیار قوی در احتمال وقوع مهاجرت‌های تبعی و اقتصادی محسوب می‌شوند و پس از آن‌ها متغیرهای تحصیلات، جریان مهاجرت، نوع مهاجرت و سطح توسعه‌یافتگی مقصد قرار می‌گیرند. نوع مهاجرت‌های مورد بررسی، پیامدهای متفاوتی برای مبدأ و مقصد به همراه دارد که با آگاهی از تبیین‌کننده‌های آن می‌توان در راستای برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی در ایران گام برداشت.

واژه‌های کلیدی: تعیین‌کننده‌های مهاجرت، علل مهاجرت، مهاجرت اقتصادی، مهاجرت تبعی، مهاجرت‌های داخلی ایران.

۱. استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، ghasemi33@yahoo.com

۲. هیئت‌علمی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، hmahmoud@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، rznobakht@gmail.com

مقدمه

در ایران، مهاجرت داخلی به صورت گسترده بعد از وقایع اجتماعی-سیاسی شامل اصلاحات ارضی، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و آثار مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها تشدید شد. جابه‌جایی مکانی انسان‌ها موضوعی قابل‌بحث در بین بسیاری از علوم رفتاری و اجتماعی است. مهاجرت نوعی جابه‌جایی مکانی جمعیت است که براساس دلایل و اهداف متفاوت انجام می‌گیرد. به عقیده کاپل^۱ (۱۹۷۶)، در الگوهای جدید مهاجرت که برگرفته از تئوری‌های جامعه‌شناختی است، می‌توان دلیل مهاجرت اشخاص را صنعتی‌شدن و تغییر تفکرات اجتماعی دانست. امروزه یعنی در عصر ارتباطات، نقل و انتقال‌ها ساده‌تر شده و ابعاد آن گسترش یافته است و بیشتر با هدف پیشرفت و دستیابی به رفاه و امکانات بهتر صورت می‌گیرد.

مهاجرت همواره در میان انسان‌ها وجود داشته است، اما جریان مهاجرتی از دوران بعد از انقلاب صنعتی چشمگیر شده است (تودارو، ۱۳۶۷). مهاجرت در شکل‌های مختلف (داخلی، بین‌المللی) و با انگیزه‌های متفاوت در حال جریان است. به اعتقاد بالان^۲ (۱۹۸۱)، افزایش مطالعات مهاجرت از دهه ۱۹۶۰ به بعد پاسخی در برابر گسترش علاقه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در مورد رشد جمعیت و به‌ویژه شهرنشینی بوده است؛ بنابراین، مهاجرت دلایل مختلفی دارد و در این میان انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی نقشی تعیین‌کننده دارند. گاراسکی^۳ (۲۰۰۲) معتقد است فرایند تصمیم به مهاجرت از سه عامل مهم فردی، خانوادگی و اجتماع محلی تأثیر می‌پذیرد. در زمینه مجموعه دلایل مؤثر بر افزایش مهاجران، می‌توان به عامل‌های جاذبه و دافعه از جمله تفاوت در دستمزد و شرایط کاری و رفاه و کیفیت زندگی بین مناطق مبدأ و مقصد در برخی از منابع (رانیس و فی،^۴ ۱۹۶۱؛ ساستاد،^۵ ۱۹۶۲، تودارو،^۶ ۱۹۶۹؛ هریس^۷ و تودارو، ۱۹۷۰؛ تودارو و ماریسکو،^۸ ۱۹۸۷) اشاره کرد.

مهاجرت به‌عنوان یکی از عوامل اصلی پویایی جمعیت، سبب تغییر در ساختار سنی و جنسی و متوسط رشد سالانه جمعیت و تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در مبدأ و مقصد می‌شود.

1. Koppel
2. Balan
3. Garasky
4. Ranis and Fei
5. Sjaastad
6. Todaro
7. Haris
8. Maruszko

از آنجاکه در گذشته رشد جمعیت و در نتیجه جابه‌جایی انسان‌ها در مقیاس بسیار کوچک‌تری صورت می‌گرفت، تأثیر این جابه‌جایی‌ها بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر چندان چشمگیر نبود و حتی امری کاملاً طبیعی و گاه مفید تلقی می‌شد. امروزه مهاجرت به یکی از مهم‌ترین مسائل جمعیتی و در برخی از کشورها به معضلی اجتماعی تبدیل شده است. در ایران، مهاجرت روستاییان و ساکنان شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها موجب تغییرات فراوان در افکار، شیوه‌های زندگی و اخلاق مهاجران شده است که زمینه‌ساز پیدایش بعضی از عوارض ناخوشایند اجتماعی و روانی و انحرافات می‌شود. افزایش مهاجرت داخلی سبب بروز بی‌نظمی‌هایی در گسترش فیزیکی کلان‌شهرها، ایجاد حاشیه‌نشینی و حلبی‌آبادها، گسترش مشاغل کاذب و به‌هم‌خوردن تعادل جمعیتی استان‌های مهاجرفرست و مهاجرپذیر می‌شود.

باید توجه داشت مکان‌ها تنها محیط‌های فیزیکی تجربه‌روزمره نیستند، بلکه برای افراد اهمیت روانی دارند و به آن‌ها در درک چگونگی ارتباط با دیگران و جهان پیرامون کمک می‌کند. خاطرات و تجارب زندگی به شیوه درک مردم از مکان‌ها شکل می‌دهند و سهمی عمده در بسط تعلق افراد به محل سکونتشان دارند که خود موجب توسعه و حفظ هویت افراد بومی می‌شود. اختلالات در تعلق مکانی موجب نوعی حس گمگشتگی و اندوه می‌شود و آثاری مضر برای اجتماعات درگیر جریان مهاجرتی دارد (قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲). براین اساس، در پژوهش حاضر علل مهاجرت داخلی در ایران طبق داده‌های دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بررسی و عوامل و تبیین‌کننده‌های آن در سطح خرد و کلان مشخص شده است.

مبانی نظری

در راستای تبیین نظری مهاجرت‌های صورت‌گرفته در ایران می‌توان به نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی اشاره کرد که با توجه به حوزه مهاجرتی مورد مطالعه و داده‌های پژوهش، «نظریه اقتصاد» و «نظریه انتظار ارزش»^۱ مناسب‌ترین آن‌هاست.

براساس نظریه اقتصاد نئوکلاسیک مهاجرت، مردم برای به حداکثر رساندن درآمدشان از مناطق با دستمزد پایین به مناطق با دستمزد بالا (یا از مناطق فقیر به مناطق ثروتمند) مهاجرت می‌کنند.

تفاوت دستمزد بین مناطق فرستنده و دریافت‌کننده مهاجر عامل مهم در شروع مهاجرت است که مهاجرت راهبرد فردی برای به حداکثر رساندن سودمندی محسوب می‌شود. این نظریه در چارچوب اصل اقتصادی «عرضه و تقاضا»، جریان‌های مهاجرت را تبیین می‌کند. کادوالدر^۱ (۱۹۹۲) و جابز^۲ (۲۰۰۰) با توجه به این رویکرد نظری معتقدند جابه‌جایی مردم نتیجه‌ای از وزن گزینه‌های اقتصادی بین مکان‌هاست. افراد مکانی را انتخاب می‌کنند که شرایط زیستشان را بهبود بخشد. از صاحب‌نظران این حوزه می‌توان به ساستاد و تودارو اشاره کرد.

طرفداران نظریه اقتصاد جدید مهاجرت، از نظریه اقتصاد نئوکلاسیک به دلیل فردی‌دانستن تصمیم‌گیری در زمینه مهاجرت انتقاد کرده‌اند. این دیدگاه، کنشگران را به سطح خانوار توسعه می‌دهد و فرض می‌کند درآمد خانوار در ارتباط با درآمد فردی افزایش می‌یابد (استارک،^۳ ۱۹۸۴). طبق برخی از مطالعات، انگیزه و توانایی برای مهاجرت و نیز الگوهای مهاجرت متأثر از سطوح منابع خانوارها، ساختار سنی و جنسی خانواده و خانوار و مرحله چرخه زندگی خانواده است (هاربسون،^۴ ۱۹۸۱). در نتیجه، مهاجرت از نظر ماهیت یک راهبرد خانوادگی به شمار می‌رود که خانواده‌ها با توجه به وجوه ارسالی حاصل از اعضای مهاجر، خطرهای اقتصادی (درآمد و اشتغال) را توزیع می‌کنند.

در نظریه انتظار ارزش مهاجرت، کنشگر محل اقامت خود را از یک مجموعه مکان‌های جایگزین که مجموع سودمندی‌ها را در ابعاد مختلف به حداکثر می‌رساند، انتخاب می‌کند (دجونگ و گاردنر،^۵ ۱۹۸۱). چند عامل ویژه بر این ارزش مورد انتظار از مهاجرت تأثیر می‌گذارند: اول «ویژگی‌های فردی و خانواده»، دوم «هنجارهای اجتماعی و فرهنگی»، سوم «عوامل شخصیتی مانند ریسک‌پذیری یا سازگاری» و چهارم «ساختار فرصت» (هاج،^۶ ۲۰۰۸: ۵۸۸). دجونگ (۲۰۰۰) معتقد است انتظارات و اهداف ارزش‌گذاری شده، انگیزه‌های مهاجرت را تعیین می‌کند. تصمیم خانوارها برای فرستادن افراد یا جابه‌جایی خود، با انتظار دستیابی به اهداف ارزش‌گذاری شده صورت می‌گیرد. در این دیدگاه، نیت‌های قبلی مهاجر اولین تعیین‌کننده تصمیم به مهاجرت واقعی است. براساس نظر وی، انتظارات همراه با ضابطه‌های خانواده درمورد مهاجرت، پیش‌بینی‌کننده‌های نیت قبلی برای جابه‌جایی

-
1. Cadwallader
 2. Jobs
 3. Stark
 4. Harbison
 5. DeJong and Gardner
 6. Haug

هستند که به ترتیب تعیین‌کننده‌های بی‌واسطه عمل مهاجرت هستند. دجونگ برای مطالعه تصمیم‌گیری مهاجرت، مفاهیم انتظارات/ ارزش‌ها، هنجارهای مهاجرت خانوادگی، نقش‌های جنسیتی، رضایت از اقامت، شبکه مهاجران و الزامات و تسهیل‌کننده‌های رفتاری مستقیم را به‌طور ویژه معین کرده است. نتایج بررسی جنسیت، ارزش‌ها و نیت به جابه‌جایی در مناطق روستایی تایلند (دجونگ و همکاران، ۱۹۹۶) نشان می‌دهد برای مردان، اندازه‌های ارزش وابستگی و آسایش، شبکه‌های اجتماعی، حضور افراد جوان در خانوار و دارایی زمین تعیین‌کننده‌های عمده تصمیم‌گیری مهاجرت هستند، درحالی‌که برای زنان اندازه‌های درآمد و آسایش، حضور افراد مسن در خانوار، اندازه جامعه و ازدست‌دادن فرصت، عامل‌های برجسته محسوب می‌شوند. درکل، ویژگی‌های جمعیتی مهاجران و شرایط اقتصادی موجود و مورد انتظار در مبدأ و مقصد، تعیین‌کننده‌های عمده رفتار مهاجرتی و نوع مهاجرت‌های افراد در دیدگاه‌های نظری مذکور تلقی می‌شوند.

داده‌ها و روش تحقیق

روش تحقیق تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و داده‌های نمونه‌ای دو درصد سرشماری ۱۳۹۰ بوده است. «مهاجر» فردی است که در فاصله زمانی دو سرشماری، شهر یا آبادی محل سکونت خود را به شهر یا آبادی دیگر تغییر داده است؛ بنابراین، مهاجر فردی است که در سرشماری ۱۳۸۵ محل سکونت خود را در بین دو سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و در سرشماری ۱۳۹۰ محل سکونت خود را بین دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به شهر یا آبادی دیگر تغییر داده است.

علل مهاجرت در ایران

به‌منظور طبقه‌بندی مهاجران واردشده به استان‌ها برحسب علت مهاجرت، در سرشماری ۱۳۸۵ هشت علت و در سرشماری ۱۳۹۰ نه علت در نظر گرفته شده است (جدول ۱). در هر دو سرشماری، «پیروی از خانوار» شامل ۴۸ درصد از علل مهاجرت می‌شود. سپس علل مربوط به تحصیل، کار و خدمت وظیفه قرار می‌گیرد. اضافه‌شدن علت «دستیابی به مسکن مناسب‌تر» در سرشماری ۱۳۹۰ موجب شده است از درصد علل «انجام‌دادن و پایان خدمت وظیفه»، «تحصیل و پایان تحصیل» و «سایر» نسبت به سرشماری ۱۳۸۵ کاسته شود.

علت مهاجرت برای مهاجران واردشده به مناطق روستایی و شهری متفاوت است. بدون توجه

به عوامل «پیروی از خانوار» و «سایر»، علت انجام دادن و پایان خدمت وظیفه (و در سرشماری ۱۳۹۰ دسترسی به مسکن مناسب‌تر) در مهاجرت‌های با مقصد روستایی (بیشتر از نوع مهاجرت‌های شهر به روستا) بیشتر از مقصد شهری (بیشتر از نوع مهاجرت‌های روستا به شهر) است و در سایر علت‌ها (جست‌وجوی کار، جست‌وجوی کار بهتر، انتقال شغلی و تحصیل و پایان تحصیل)، درصدهای به‌دست‌آمده برای مهاجران با مقصد شهری (بیشتر از نوع مهاجرت‌های روستا به شهر) بیشتر است.

جدول ۱. توزیع نسبی مهاجران برحسب علت مهاجرت به تفکیک مقصد شهری و روستایی

طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

سرشماری	نوع	تعداد	جست‌وجوی کار	جست‌وجوی کار بهتر	انتقال شغلی	پایان تحصیل و تحصیل	خدمت وظیفه	انجام دادن و پایان خدمت وظیفه	مسکن مناسب‌تر	دستیابی به مسکن مناسب‌تر	پیروی از خانوار	سایر	اظهار نشده
	کل نقاط	۵۵۳۴۶۶۶	۶/۶	۳/۸	۴/۵	۱۴/۰	۵/۸	۱۰/۶	۴۶/۲	۶/۲	۲/۳		
۱۳۹۰	شهری	۴۳۰۲۰۸۶	۶/۶	۳/۹	۵/۱	۱۵/۴	۴/۱	۱۰/۱	۴۶/۰	۶/۶	۲/۲		
	نقاط روستایی	۱۲۳۲۵۸۰	۶/۷	۳/۶	۲/۴	۸/۹	۱۱/۹	۱۲/۳	۴۶/۸	۵/۱	۲/۴		
	کل	۱۲۱۴۸۱۱۴۸	۸/۷	۵/۰	۵/۱	۹/۹	۱۰/۴	-	۴۶/۰	۱۰/۱	۴/۸		
۱۳۸۵	نقاط شهری	۸۹۹۹۷۰۹	۸/۶	۵/۲	۵/۸	۱۱/۳	۷/۵	-	۴۶/۷	۱۰/۱	۴/۸		
	نقاط روستایی	۳۱۴۸۴۳۹	۹/۱	۴/۶	۳/۱	۵/۷	۱۸/۵	-	۴۳/۹	۱۰/۳	۴/۸		

منبع: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

دلایل مهاجرت زنان و مردان

دلایل مهاجرت در بین مردان و زنان در ایران متفاوت است. در هر دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، دلایل «تحصیل و پایان تحصیل» و «پیروی از خانوار» (نوعی مهاجرت اجباری) برای زنان بیشتر از مردان بوده است و در سایر دلایل (از جمله دلایل مربوط به اشتغال) مردان درصد بیشتری نسبت به زنان داشته‌اند.

جدول ۲. توزیع نسبی مهاجران برحسب دلایل مهاجرت به تفکیک جنس طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

سرشماری	جنس	تعداد	جست‌وجوی کار بهتر	جست‌وجوی کار	انتقال شغلی	پایان تحصیل و خدمت و وظیفه	انجام و پایان مسکن مناسب‌تر	دستیابی به	پیروی از خانوار سایر	اظهار نشده
۱۳۹۰	مرد	۲۹۰۸۵۶۰	۱۱/۲	۶/۵	۷/۵	۱۳/۸	۱۱/۰	۱۵/۳	۲۶/۰	۲/۲
	زن	۲۶۲۶۱۰۶	۱/۵	۰/۸	۱/۲	۱۴/۲	-	۵/۴	۶۸/۶	۵/۹
۱۳۸۵	مرد	۶۷۵۴۹۹۴	۱۴/۴	۸/۲	۷/۹	۹/۸	۱۸/۴	-	۲۵/۰	۱۱/۶
	زن	۵۳۹۳۱۵۴	۱/۷	۱/۰	۱/۷	۱۰/۰	-	-	۷۲/۴	۸/۲

منبع: داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

دلایل مهاجرت در چرخه سنی

در رویکرد چرخه زندگی این تفکر وجود دارد که مهاجرت در مقطع سنی ویژه‌ای در زندگی افراد صورت می‌گیرد و هریک از مهاجران با توجه به مقطع سنی خویش، دلایل متفاوتی برای رفتار مهاجرتی‌شان دارند. در جدول ۳، علل مهاجرت براساس گروه‌های سنی مهاجران ارائه می‌شود. براساس نتایج، دلیل مهاجرت افراد زیر ۱۰ سال تبعی بوده است و آن‌ها به دلیل پیروی از خانوار اقدام به مهاجرت کرده‌اند. در دامنه سنی ۱۰ تا ۲۴ سال، تحصیل یکی از عوامل مؤثر در مهاجرت افراد شناخته شده است. انجام‌دادن یا پایان خدمت و وظیفه هم فقط برای سنین ۱۵ تا ۲۹ سال یکی از عوامل مهم در جابه‌جایی بوده است.

اهمیت اشتغال (جست‌وجوی کار، جست‌وجوی کار بهتر و انتقال شغلی) در مهاجرت افراد، از ۲۵ سالگی افزایش یافته است و تا ۶۵ سالگی درصد شایان‌توجهی از علل مهاجرت را دربر گرفته است که بیشترین درصد آن در گروه سنی ۳۰ تا ۴۵ سال است. دستیابی به مسکن مناسب‌تر که یکی از علل مهاجرت در سرشماری ۱۳۹۰ در نظر گرفته شده است، از سن ۳۰ سالگی به بعد یکی از علت‌های مهم مهاجرت بوده و به‌طور متوسط ۲۸ درصد علل مهاجرت مهاجران این دامنه سنی را دربر گرفته است. البته ۴ درصد به‌دست‌آمده این علت برای گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال جای بحث و بررسی دارد. الگوی علت مهاجرت افراد در دامنه‌های سنی مختلف را می‌توان براساس شکل ۱ ملاحظه کرد.

جدول ۳. مهاجران گروه‌های سنی مختلف برحسب علت مهاجرت، ۱۳۹۰

سن	جست‌وجوی کار	جست‌وجوی کار بهتر	انتقال شغلی	تحصیل	پایان تحصیل	انجام/پایان خدمت وظیفه	دستیابی به مسکن	پیروی از خانوار	سایر	اظهار نشده	جمع	تعداد
۴-۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۸۷/۳۵	۲/۶۹	۹/۹۶	۱۰۰/۰	۳۳۲۳۳۲
۵-۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۱/۲۰	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۸۶/۸۲	۳/۲۵	۸/۶۸	۱۰۰/۰	۴۲۶۷۱۷
۱۰-۱۴	۰/۹۷	۰/۶۴	۰/۷۲	۲۴/	۰/۱۵	۰/۰۰	۴/۰۷	۶۴/۲۸	۳/۱۵	۱/۰۴	۱۰۰/۰	۴۱۷۸۵۷
۱۵-۱۹	۲/۸۵	۱/۱۰	۰/۶۴	۳۶/	۰/۶۱	۹/۰۴	۲/۷۵	۴۱/۹۵	۳/۲۶	۰/۹۲	۱۰۰/۰	۶۱۸۳۳۳
۲۰-۲۴	۵/۵۱	۲/۲۸	۱/۶۸	۲۶/	۱/۵۸	۱۹/۴۹	۳/۶۸	۳۴/۶۲	۳/۸۲	۰/۹۲	۱۰۰/۰	۱۰۵۲۵۹۵
۲۵-۲۹	۱۱/۵۳	۶/۰۱	۵/۷۸	۷/۸۲	۱/۹۰	۶/۰۱	۱۱/۱۸	۴۲/۴۴	۶/۳۰	۱/۰۳	۱۰۰/۰	۸۸۰۸۶۸
۳۰-۳۴	۱۲/۲۶	۷/۸۴	۱۰/۱۲	۲/۶۵	۰/۵۵	۰/۵۱	۱۸/۸۴	۳۸/۶۷	۷/۴۶	۱/۰۹	۱۰۰/۰	۶۲۷۵۷۶
۳۵-۳۹	۱۱/۰۲	۷/۷۷	۱۲/۳۲	۱/۵۵	۰/۲۶	۰/۱۳	۳۵/۰۷	۲۲/۶۴	۸/۱۰	۱/۱۵	۱۰۰/۰	۴۰۳۲۱۶
۴۰-۴۴	۹/۴۳	۶/۹۸	۱۲/۱۲	۱/۴۸	۰/۲۶	۰/۱۱	۲۴/۵۵	۳۳/۶۴	۹/۹۹	۱/۴۲	۱۰۰/۰	۲۷۰۷۰۰
۴۵-۴۹	۸/۵۱	۶/۱۸	۹/۷۷	۱/۲۲	۰/۱۸	۰/۰۸	۲۵/۹۷	۳۳/۷۶	۱۲/۵۰	۱/۸۲	۱۰۰/۰	۱۶۹۴۸۰
۵۰-۵۴	۸/۴۱	۵/۶۹	۶/۰۸	۰/۹۳	۰/۱۱	۰/۰۰	۲۷/۳۹	۳۲/۳۳	۱۶/۷۳	۲/۳۳	۱۰۰/۰	۱۱۹۲۸۱
۵۵-۵۹	۷/۳۶	۴/۸۴	۳/۶۸	۰/۷۷	۰/۱۵	۰/۰۰	۳۰/۲۰	۳۱/۵۳	۱۸/۸۹	۲/۵۹	۱۰۰/۰	۷۲۶۰۶
۶۰-۶۴	۶/۵۶	۳/۸۵	۲/۴۱	۰/۶۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۳۱/۶۸	۳۰/۵۴	۲۱/۷۴	۲/۴۸	۱۰۰/۰	۴۳۹۰۹
۶۵-۶۹	۴/۹۶	۲/۸۰	۱/۶۰	۰/۶۵	۰/۰۶	۰/۰۰	۳۲/۸۱	۲۸/۴۹	۲۵/۸۱	۲/۸۲	۱۰۰/۰	۲۷۰۲۵
۷۰-۷۴	۴/۷۳	۲/۲۹	۱/۰۵	۰/۴۰	۰/۰۵	۰/۰۰	۳۷/۷۷	۲۶/۸۷	۲۳/۹۰	۲/۹۵	۱۰۰/۰	۲۱۹۰۰
۷۵ و بیشتر	۲/۶۹	۱/۵۰	۰/۶۵	۳/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۰	۲۶/۷۰	۲۹/۹۵	۳۱/۷۷	۳/۶۳	۱۰۰/۰	۳۴۱۷۰

منبع: داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

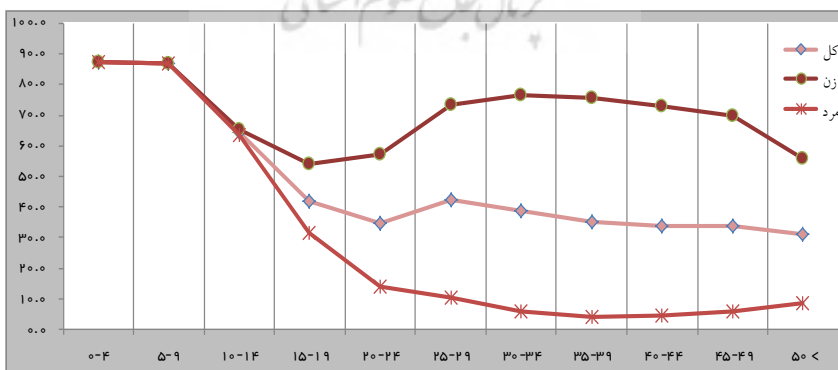
۱۰-۰ سال	۱۴-۱۰ سال	۱۵-۱۲ سال	۲۵-۲۹ سال	۳۰-۶۴ سال	۶۵ سال و بیشتر
پیروی از خانوار					
تحصیل و پایان تحصیل					
انجام دادن و پایان خدمت وظیفه					
اشتغال (جست‌وجوی کار، ...)					
دستیابی به مسکن مناسب‌تر					

شکل ۱. اهمیت علل مهاجرت در گروه‌های سنی مهاجران، ۱۳۹۰

منبع: داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

با تصمیم سرپرست خانوارها به مهاجرت، همسر، فرزندان و سایر خویشاوندان وابسته به آنها مجبور می‌شوند در این جابه‌جایی مکانی و جغرافیایی از آنها تبعیت کنند. در زمینه وابستگی به خانواده، زنان بیشتر از مردان (حدود ۷۰ درصد زنان در مقابل ۲۹ درصد مردان) و همچنین کودکان و نوجوانان بیشتر از جوانان و بزرگسالان (۷۰ درصد زیر ۲۰ سال در مقابل ۳۵ درصد بالای ۲۰ سال) به دلیل پیروی از خانوار مهاجرت کرده‌اند (شکل ۲). این تفاوت معنی‌دار بین مرد و زن از ۱۵ سالگی شروع می‌شود. همچنین، از ۲۰ سالگی به بعد درصد مشاهده‌شده برای پیروی از خانوار به‌عنوان علت مهاجرت برای مردان به میزان ناچیز زیر ۸ درصد می‌رسد، درحالی‌که میزان آن علت برای زنان ۷۰ درصد است. براین اساس، در جابه‌جایی جمعیت درون مرزهای جغرافیایی ایران، کودکان و نوجوانان و زنان خانوارها در جایگاه مهاجر منفعل قرار می‌گیرند و به تبعیت از سرپرست خانوار (پدر یا شوهر) مشمول این جابه‌جایی جمعیتی می‌شوند.

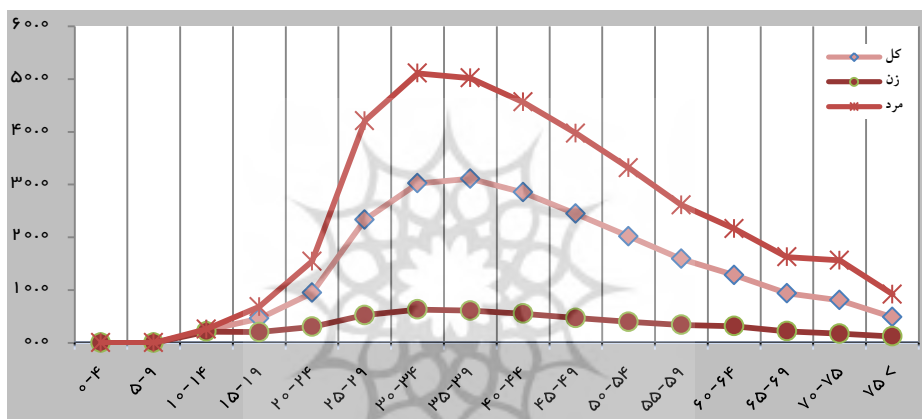
در مقابل مهاجرت‌های تبعی، مهاجرت‌های کاری را می‌توان نوعی مهاجرت آگاهانه و با اراده شخصی مهاجر دانست. با توجه به ماهیت متفاوت این دو نوع جریان مهاجرت، افراد درگیر این جریان مهاجرتی نیز در ویژگی‌های جمعیتی از جمله جنس و سن با مهاجران تبعی متفاوت‌اند. در شکل ۳، مهاجران کاری برحسب سن و جنس بررسی شده‌اند. همان‌طورکه مشاهده می‌شود، مهاجران ۳۰ تا ۳۹ سال بیشترین درصد را دربرمی‌گیرند و بیشترین مهاجران درگیر مهاجرت‌های کاری در دامنه سنی ۲۵ تا ۴۹ سال قرار دارند.



شکل ۲. توزیع نسبی مهاجران با علت پیروی از خانوار به تفکیک سن و جنس، ۱۳۹۰

منبع: ترسیم براساس داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰

برخلاف مهاجرت‌های تبعی، مهاجرت‌های کاری در میان گروه‌های متفاوت سنی زنان شامل ۵ درصد است، درحالی‌که ۴۰ درصد مردان در چندین گروه سنی (دامنه سنی ۲۵ تا ۴۹ سال) این نوع مهاجرت را دارند. شکاف عمده بین زنان و مردان در زمینه مهاجرت‌های کاری از گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سالگی شروع می‌شود و در گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۴ سالگی و ۳۵ تا ۳۹ سالگی به بالاترین سطح خود می‌رسد و با افزایش گروه‌های سنی مهاجران این شکاف روند نزولی پیدا می‌کند.



شکل ۳. توزیع نسبی مهاجران به علت اشتغال به تفکیک سن و جنس، ۱۳۹۰

منبع: ترسیم براساس داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰

تعیین‌کننده‌های مهاجرت‌های اقتصادی و تبعی

با توجه به داده‌های سرشماری، در یک تقسیم‌بندی مفهومی می‌توان دو نوع مهاجرت تبعی (پیروی از خانوار و اقتصادی (جست‌وجوی کار، جست‌وجوی کار بهتر، انتقال شغلی و دسترسی به مسکن مناسب‌تر) را در جریان مهاجرت‌های داخلی ایران مهم دانست. بی‌شک، دو علت یادشده با توجه به ماهیت متفاوت خود، در جهت‌دادن به جابه‌جایی جمعیت در استان‌های کشور نقش‌های تعیین‌کننده و متفاوت جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی دارند.

براساس نتایج، در ادامه تعیین‌کننده‌های مهاجرت‌های اقتصادی و تبعی به ترتیب برای دو گروه «سرپرست خانوار» و «غیرسرپرست خانوار» با تحلیل چندمتغیره و استفاده از تکنیک رگرسیون لجستیک بررسی می‌شود. متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: جنس (مرد-زن)، سن در زمان مهاجرت (کمتر از ۳۰ سال، ۳۰ تا ۴۵ سال، بیشتر از ۴۵ سال)، وضع سواد (بی‌سواد-باسواد)، سطح تحصیلات (ابتدایی و نهضت، راهنمایی و متوسطه، دانشگاهی)، جریان مهاجرت (درون‌شهرستانی-بین

شهرستانی)، نوع مهاجرت با مبدأ و مقصد شهری و روستایی (روستا-روستا، روستا-شهر، شهر-روستا، شهر-شهر)، سطح توسعه‌یافتگی استان مبدأ (برخوردار، نیمه‌برخوردار، محروم). متغیر وابسته (نوع مهاجرت) نیز به دو صورت برای «سرپرست‌های خانوار» (اقتصادی = ۱، تبعی = ۰) و «غیرسرپرست‌های خانوار» (تبعی = ۱/اقتصادی = ۰) وارد مدل رگرسیون شده است.

در مهاجرت‌های اقتصادی (جدول ۴) متغیر جنس ۱۳ درصد از تغییرات متغیر نوع مهاجرت را تبیین می‌کند. احتمال مهاجرت اقتصادی مردان مهاجر سرپرست خانوار چهار برابر بیشتر از احتمال مهاجرت زنان است. سن مهاجران در زمان مهاجرت ۶ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. احتمال مهاجرت اقتصادی سرپرست‌های جوان (کمتر از ۳۱ سال) ۱/۶ برابر و میانسالان (۳۱ تا ۴۵ سال) ۲/۵ برابر احتمال مهاجرت سرپرست‌های مسن (بیشتر از ۴۵ سال) بوده است. در نتیجه، شانس مهاجرت اقتصادی میانسالان از همه بیشتر است. سطح تحصیلات افراد ۴ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند که با افزایش تحصیلات احتمال مهاجرت اقتصادی کاهش می‌یابد. مهاجران اقتصادی بیشتر در شهرستان خود، نسبت به مهاجرت به سایر شهرستان‌ها، جابه‌جا شده‌اند. همچنین، احتمال مهاجرت اقتصادی مهاجران به مناطق برخوردار نسبت به مناطق محروم (و نیز نیمه‌برخوردار) بیشتر بوده است.

جدول ۴. پیش‌بینی‌کننده‌های احتمال مهاجرت اقتصادی سرپرست‌های خانوار، ۱۳۹۰

نسبت بخت‌ها (Exp(B))					مقوله‌ها	متغیرها
مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱		
۳/۸**	۳/۸**	۳/۸**	۳/۸**	۴/۰**	مرد زن (مرجع)	جنس
۱/۷**	۱/۷**	۱/۷**	۱/۶**	۳۰-۴۵	<۳۰	سن
۲/۵**	۲/۵**	۲/۵**	۲/۴**	۴۵ <	(مرجع)	در زمان مهاجرت
۱/۷**	۱/۷**	۱/۸**	۱/۶**	ابتدایی و نهضت راهنمایی و متوسطه دانشگاهی (مرجع)		تحصیلات
۱/۵*	۱/۵*			درون شهرستانی بین شهرستانی (مرجع)		جریان مهاجرت
۱/۲**	۰/۹۷			برخوردار نیمه‌برخوردار محروم (مرجع)		سطح توسعه‌یافتگی مقصد
۰/۲۶	۰/۲۵	۰/۲۳	۰/۱۹	۰/۱۳		ضریب تعیین

** معنی‌داری در سطح $P < 0/01$ * معنی‌داری در سطح $P < 0/05$

منبع: داده‌های ۲ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰

اهمیت ویژگی‌های فردی مهاجران در تبیین مهاجرت‌های تبعی به مراتب بیشتر از مهاجرت‌های اقتصادی است (جدول ۵)؛ به طوری که ۵۰ درصد از ۵۳ درصد تغییرات مهاجرت‌های تبعی به دلیل ویژگی‌های فردی مهاجران است. متغیر جنس نیز ۱۲ درصد از تغییرات این مهاجرت را تبیین کرده است. احتمال مهاجرت تبعی زنان غیرسرپرست خانوار تقریباً چهار برابر بیشتر از احتمال مشابه برای هم‌تایان مرد آن‌هاست. سن در زمان مهاجرت با دربرگرفتن ۲۶ درصد، مهم‌ترین متغیر بوده است. احتمال مهاجرت تبعی افراد زیر ۱۶ سال نسبت به دیگران بیشتر بوده است. مشابه مهاجرت اقتصادی، رابطه میزان تحصیلات و مهاجرت تبعی معکوس مشاهده شده است. دو متغیر کلان مهاجرتی یعنی جریان مهاجرت و نوع مهاجرت فقط ۳ درصد از تغییرات مهاجرت تبعی را تبیین کرده‌اند. احتمال وقوع مهاجرت‌های تبعی در مهاجرت‌های درون شهرستانی ۲۰ درصد بیشتر از احتمال مهاجرت‌های بین شهرستانی بوده است. وضعیت مهاجرت‌های تبعی در سه نوع مهاجرت روستا به روستا، روستا به شهر و شهر به شهر شبیه هم بوده و فقط در جریان مهاجرت شهر به روستا احتمال وقوع مهاجرت‌های تبعی کمتر از سایر جریان‌های مهاجرت به ویژه مهاجرت‌های شهر به شهر بوده است.

جدول ۵. پیش‌بینی‌کننده‌های احتمال مهاجرت تبعی اعضای غیرسرپرست خانوار، ۱۳۹۰

متغیرها	مقوله‌ها	نسبت بخت‌ها (Exp(B))				
		مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵
جنس	مرد (مرجع) زن	۲/۷**	۴/۲**	۴/۳**	۴/۳**	۴/۲**
سن	۱۶ < (مرجع) ۱۶-۳۰ ۳۱-۴۵ ۴۵ <	۰/۲۸**	۰/۲۴**	۰/۲۷**	۰/۳۰**	۰/۳۰**
در زمان مهاجرت		۰/۱۹**	۰/۱۷**	۰/۱۹**	۰/۱۹**	۰/۱۹**
تحصیلات	ابتدایی و نهضت راهنمایی و متوسطه دانشگاهی (مرجع)	۲/۶**	۰/۱۸**	۲/۶**	۰/۱۸**	۲/۶**
جریان مهاجرت	درون شهرستانی بین شهرستانی (مرجع)	۱/۱**	۱/۱**	۱/۱**	۱/۱**	۱/۱**
نوع مهاجرت	روستا- روستا روستا- شهر شهر- روستا شهر- شهر (مرجع)	۱/۰۹	۰/۹۶	۰/۸۱**	۰/۵۳	۰/۵۲
ضریب تعیین		۰/۱۹	۰/۴۵	۰/۵۰	۰/۵۲	۰/۵۳

** معنی‌داری در سطح $P < 0/01$

منبع: داده‌های ۲ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

بحث و نتیجه‌گیری

مهاجرت یکی از پدیده‌های اجتماعی محسوب می‌شود که با توجه به ساختارهای توزیع جمعیت، وضع اقتصادی و نسبت شهرنشینی جامعه، ممکن است وقوع آن طبیعی باشد یا به مسئله مهم اجتماعی تبدیل شود. در ایران، طی سال‌های اخیر (حداقل ۲۰ سال گذشته)، سالانه به‌طور متوسط یک میلیون نفر داخل مرزهای کشور جابه‌جا شده‌اند. در هر دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، پیروی از خانوار علت تقریباً نیمی از مهاجرت‌ها بوده است. بعد از آن علل مربوط به تحصیل، کار، خدمت وظیفه و دستیابی به مسکن مناسب‌تر قرار گرفته است. برای سرپرست‌های خانوار، عامل اقتصادی (جست‌وجوی کار، جست‌وجوی کار بهتر، انتقال شغلی و دستیابی به مسکن مناسب‌تر) مهم‌ترین دلیل مهاجرت بوده و برای غیرسرپرست‌های خانوار نیز مهاجرت بیشتر دلیل تبعی داشته است. پژوهش غفاری و ترکی هرچگانی (۱۳۸۹) نیز نشان می‌دهد رابطه معنی‌داری بین میزان مهاجرت و جست‌وجوی کار (اشتغال)، دستیابی به امنیت شغلی، درآمد و کار بهتر، دستیابی به امکانات تفریحی-ورزشی، دستیابی به تسهیلات آموزشی و کثرت امکانات در مقصد وجود دارد.

طبقه‌بندی علت‌های مهاجرت در پرسشنامه‌های سرشماری بسیار کلی بوده است؛ بنابراین، نمی‌توان براساس آن ابعاد جزئی علل مهاجرت را بررسی کرد. علل مهاجرت برای مهاجران واردشده به مناطق روستایی و شهری، مهاجران مرد و زن و مهاجران واقع در گروه‌های مختلف سنی، متفاوت است. نسبت جنسی مهاجران (۱۲۵ در سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۱۱ در سرشماری ۱۳۹۰) بسیار بیشتر از نسبت جنسی جمعیت کشور (۱۰۴ در سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۰۲ در سرشماری ۱۳۹۰) به‌دست آمده است و مردان بیشتر به قصد اشتغال اقدام به مهاجرت کرده‌اند. کمتر از ۱۰ درصد زنان سرپرست خانوار، تصمیم‌گیر اصلی در مهاجرت بوده‌اند. این مورد به‌خوبی نشان می‌دهد که ماهیت مهاجرت‌های زنان در ایران از نوع تبعی است؛ به‌طوری‌که احتمال مهاجرت تبعی برای زنان غیرسرپرست خانوار حدود چهار برابر هم‌تایان مرد است. شایان ذکر است مهاجرت‌های تبعی بیشتر از نوع مهاجرت‌های غیراختیاری است و زنان درگیر این نوع مهاجرت به‌دلیل پیروی از تصمیمات مهاجر اصلی (پدر یا شوهر) اقدام به مهاجرت می‌کنند. همچنین، زنان مهاجر را می‌توان در گروه مهاجران تحصیلی قرار داد که بیشتر از نوع مهاجرت‌های موقت است و با اتمام تحصیلات در مقصد، زنان دوباره راهی خاستگاه خویش (بیشتر مناطق روستایی و شهرهای کوچک) می‌شوند.

بیشتر مهاجرت‌ها در دامنه سنی ۲۰ تا ۳۴ سالگی (سن فعالیت، تحصیل، ازدواج و خدمت

سربازی) صورت گرفته است. نتیجه پژوهش‌های گایل‌موتو^۱ (۱۹۹۸) نیز نشان می‌دهد مهاجرت‌های طولانی مدت از سن ۱۵ سالگی به آرامی شروع می‌شود و در سنین ۳۵ تا ۳۹ سالگی حدود ۳۰ درصد مهاجرت‌ها را دربرمی‌گیرد. در بین رده‌های سنی، احتمال مهاجرت تبعی برای افراد زیر ۱۶ سال بسیار بیشتر از سایر گروه‌های سنی است و احتمال مهاجرت اقتصادی در سنین ۳۰ تا ۴۵ سال بیشتر است. برخلاف دو متغیر جمعیتی مذکور (جنس و سن)، پیش‌بینی‌پذیری نوع مهاجرت‌ها از روی تحصیلات مهاجران شبیه هم بوده است؛ به طوری که هم در مهاجرت‌های اقتصادی و هم تبعی، احتمال مهاجرت افراد دارای تحصیلات ابتدایی، نهضت، راهنمایی و متوسطه بیشتر از افراد دارای تحصیلات دانشگاهی است. در هر دو نوع مهاجرت مورد مطالعه، احتمال مهاجرت درون شهرستانی بیشتر از بین شهرستانی است، ولی احتمال مهاجرت اقتصادی به مقصد مناطق برخوردار بیشتر و احتمال مهاجرت تبعی در مهاجرت‌های شهر به روستا کمتر است.

این ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های جریان‌های مهاجرت ایران نشان می‌دهد در این جابه‌جایی‌های جمعیتی که به دلایل جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد، توازن و تعادل کیفیت نیروی انسانی به هم می‌خورد. براین اساس، ناهمگونی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی بیشتری به وجود می‌آید که ناهمگونی توسعه استانی و منطقه‌ای از مهم‌ترین آن‌هاست. طبق مباحث مطرح شده، در ایران بین سطح توسعه‌یافتگی مناطق و میزان مهاجرپذیری آن همبستگی مستقیم (قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۵؛ جمعه‌پور، ۱۳۸۶؛ قاسمی اردهایی، ۱۳۸۷؛ مشفق، ۱۳۸۹) وجود دارد. مهاجرت‌های اقتصادی بیشتر به سوی مناطق توسعه‌یافته و کلان‌شهرها و مهاجرت‌های تبعی - که بار اقتصادی بیشتری برای مناطق مقصد دارد - به طرف مناطق روستایی و شهرهای کوچک انجام می‌گیرد. این مسئله در تشدید شکاف توسعه‌ای بین مناطق کشور به‌ویژه مناطق روستایی (شهرهای کوچک) با کلان‌شهرها مؤثر است.

منابع

- تودارو، مایکل (۱۳۶۷)، **مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه**، ترجمه مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۶)، «بررسی بین سطح توسعه‌یافتگی روستاهای استان تهران و مهاجرت به شهر تهران»، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳: ۲۷-۵۵.

- غفاری، رامین و ترکی هرچگانی، معصومه (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت جوانان روستایی به شهر (موردپژوهی: روستای صادق‌آباد از توابع بخش سامان در استان چهارمحال و بختیاری)»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۲: ۹۱-۱۰۲.
- قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۷)، *جریان‌های مهاجرت داخلی و ویژگی‌های مهاجران به تفکیک استان، تهران: مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار.*
- _____ (۱۳۹۲)، *شبکه‌های اجتماعی و جابه‌جایی جمعیت: مطالعه جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به شهرستان‌های منتخب استان تهران*. رساله دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- قرخلو، مهدی و حبیبی، کیومرث (۱۳۸۵)، «تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۱: ۵۹-۸۳.
- مرکز آمار ایران، *نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.*
- مرکز آمار ایران، *داده‌های خام ۲ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.*
- مشفق، محمود (۱۳۸۹)، *مهاجرت‌های داخلی در ایران: بررسی سطوح و روندهای مهاجرت‌های داخلی در ایران و عوامل مؤثر بر آن در دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۵*. رساله دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- Balan, J. (1981), **Why People Move**, UNESCO Press Printed in France.
- Cadwallader, M. (1992), **Migration and Residential Mobility: Macro and Micro Approaches**, University of Wisconsin Press, Madison.
- DeJong, G. (2000), "Expectations, Gender and Norms in Migration Decision-making", **Population Studies**, No. 54, Vol. 3: 307-319.
- DeJong, G. F. and Gardner, R. W. (1981), **Migration Decision Making; Multidisciplinary Approaches to Microlevel Studies in Developed and Developing Countries**, New York: Pergamon Press.
- DeJong, G. F., Kerry, R. and Isarabhakdi, P. (1996), "Gender, Values, and Intentions to Move in Rural Thailand", **International Migration Review**, No. 30, Vol. 3: 748-770.
- Garasky, S. (2002), "Where Are They Going? A Comparison of Urban and Rural Youths' Locational Choices after Leaving the Parental Home", **Journal of Social Science Research**, No. 31: 409-431.
- Guilmoto, C. Z. (1998), "Institutions and Migration: Short-term Versus Long-term Moves in Rural West Africa", **Population Studies**, No. 52: 85-103.
- Harbison, S. F. (1981), **Family Structure and Family Strategy in Migration Decision Making**, In: DeJong, G. F. and Gardner, R. W, ed, *Migration Decision Making; Multidisciplinary Approaches to Micro Level Studies in Developed and Developing Countries*, New York: Pergamon Press.
- Harris, J. R. and Todaro, M. P. (1970), "Migration, Unemployment and Development: A Two Sector Analysis", **American Economic Review**, No. 60: 126-142.
- Haug, S. (2008), "Migration Networks and Migration Decision-Making", **Journal of Ethnic and Migration Studies**, No. 34, Vol. 4: 585-605.

- Jobs, P. (2000), **Moving Nearer to Heaven: The Illusions and Disillusions of Migrants to Scenic Rural Place**, Praeger, Westport, CT.
- Koppel, B. (1976), "Toward Sociogenic Migration Theory", **International Migration Review**, No. 10, Vol. 2: 233-248.
- Ranis, G. and Fei, J. C. (1961), "A Theory of Economic Development", **American Economic Review**, No. 51: 533-565.
- Sjaastad, L. A. (1962), "The Costs and Returns of Human Migration", **The Journal of Political Economy**, No. 70, Vol. 5: 80-93.
- Stark, O. (1984), "Rural-to-Urban Migration in LDCs: A Relative Deprivation Approach", **Economic Development & Cultural Change**, No. 32: 475-485.
- Todaro, M. P. (1969), "A Model of Labor Migration and Urban Unemployment in Less Developed Countries", **American Economic Review**, No. 59: 138-148.
- Todaro, M. P. and Maruszko, L. (1987), "Illegal Migration and US Immigration Reform: A Conceptual Framework", **Population and Development Review**, No. 13: 101-114.

